

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی فراموش کردن تشهد

س) اگر در رکعت دوم به نماز جماعت ملحق شویم اما در رکعت سوم امام که رکعت دوم ماست فراموش کنیم تشهد را به جا آوریم و همراه امام برای رکعت بعد بلند شویم، بعد از نماز وظیفه ما چیست؟ اگر هم قضای تشهد و هم سجده سهو را باید انجام دهیم ترتیب درستشان چیست؟

ج) اگر قبل از رکوع رکعت بعد متوجه شوید، باید بنشینید

و تشهد را بخوانید و نماز را ادامه دهید و اگر بعد از رکوع یا در

رکعت بعد به یاد بیایرد، باید بعد از سلام دو سجدهٔ سهو انجام

دهید، اما بنابر احتیاط واجب، باید قبل از سجدهٔ سهو ابتدا تشهد

فراموش شده را بخوانید.

رعایت پوشش در نمازهای مستحبی
س) آیا در نمازهای مستحبی مثل نماز شب، لازم است که زنان همانند نمازهای واجب، پوشش را رعایت کنند؟
اگر رعایت نشود، نماز باطل است؟
ج) فرقی بین نماز واجب و مستحب نیست و اگر عمدأ رعایت نشود، نماز باطل است.

خرید نسبه بدون تعیین زمان پرداخت
س) اگر در معامله‌ای که به صورت نسبه انجام می شود، خریدار بگوید هر وقت پول دستم آمد، پرداخت خواهم کرد آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

ج) شرط صحت معاملهٔ نسبه، معین بودن زمان پرداخت قیمت معامله است، بنابر این معاملهٔ نسبه به صورت مذکور صحیح نیست ولی اگر فروشنده در فرض باطل بودن معامله نیز به تصرف مشتری در کالای فروخته شده رضایت داشته باشد، استفاده مشتری از آن اشکال ندارد.

روش تعیین اجرت

س) گاهی تعمیر کار هنگام قبسول کار، صحبتی از دستمزد نمی‌کند و مشتری نیز پس از تعمیر، مقدار دستمزدی را که تعمیرکار مطالبه می‌کند، زیاد می‌داند و نمی‌پذیرد، تکلیف چیست؟

ج) در این صورت تعمیرکار برای کاری که انجام داده است، تنها می‌تواند اجرت‌المثل (اجرت متعارف در مانند این معامله) را مطالبه کند.

استفاده از کِرم حاوی اجزای حیوان حرام گوشت
س) استفاده از کِرمی (یا صابون و مانند آن) که حاوی غضروف ماهی حرام گوشت است، چه حکمی دارد؟
ج) حیوانی که خون چهنده ندارد (هر چند حرام گوشت باشد و تذکبه شرعی نشده باشد) و نیز محصولاتی که از آن تهیه می‌شوند، نجس نیستند، ولی استفاده از آن در حال نماز جایز نیست؛ بنابر این اگر می‌دانید که از حیوان حرام گوشت تهیه شده، برای نماز باید برطرف شود و چنانچه جذب بدن شده و چیزی از آن باقی نمانده باشد، اشکال ندارد و شستن محل آن لازم نیست.

فلسفه عدم تشابه حقوقی زن و مرد

پرسش:
فلسفه عدم تشابه حقوقی زن و مرد در اموری نظیر: تجویز تعدد زوجات، تشریع حق طلاق برای مردان، برابری شهادت در زن با یک مرد، زن را واجب النطقه مرد نمودن، ارث زن را مساوی نصف ارث مرد قرار دادن و… چیست؟

۱-اسلام در روابط و حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش می‌گذشته مغایرت دارد و با آنچه در جهان امروز می‌گذرد نیز مطابقت ندارد.

از نظر اسلام این مسئله هرگز مطرح نیست که آیا زن و مرد دو انسان مساوی در انسانیت هستند یا نه؟ و آیا حقوق خانوادگی آنها باید ارزش مساوی با یکدیگر داشته باشند یا نه؟ از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره‌مندند.

آنچه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهان زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یک‌جور نیست، خلقت و طبیعت، آنها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازاتها وضع مشابهی نداشته باشند.

۲- در دنیای غرب، اکنون سعی می‌شود میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف وضع واحد و مشابهی به وجود آوردند و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند، تفاوتی که میان نظر اسلام و سیستم‌های غربی وجود دارد در اینجاست.

بنابراین- آنچه اکنون در کشور ما میان طرفداران حقوق اسلامی از یک طرف و طرفداران پیروی از سیستم‌های غربی از طرف دیگر مطرح است مسئله «وحدت و تشابه حقوق زن و مرد» است نه «سواوی حقوق آنها».

کلمه «تساوی حقوق» یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب بر روی این راه‌آورد غریب چسباندند.

۳- در نوبتست چیرولانسی از حق که در کمتر از یک‌ قرن اخیر به نام زن و برای زن در اروپا صورت گرفت، زن کم و بیش حقوقی مشابه با مرد پیدا کرد، اما با توجه به وضع طبیعی و احتیاجات جسمی و روحی زن، هرگز حقوق مساوی با مرد پیدا نکرد.

زیرا زن اگر بخواهد حقوقی مساوی حقوق مرد و سعادتی مساوی سعادت مرد پیدا کند راه منحصرا این است که مشابهت حقوقی را از میان بردارد، برای مرد حقوقی متناسب با مرد و برای خودش حقوقی متناسب با خودش قائل شود.

تنها از این راه است که وحدت و صمیمیت واقعی میان مرد و زن برقرار می‌شود و زن از سعادت مساوی با مرد بلکه بالاتر از آن برخوردار خواهد شد و مردان از روی خلوص و بدون شائبه و اغفال و فریبکاری، برای زنان حقوق مساوی و احیاناً بیشتر از خود قائل خواهند شد.

۴- ادعای ما این است که عدم تشابه حقوق زن و مرد در حدودی که طبیعت، زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است، هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می‌کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌نماید و هم اجتماع را بهتر به جلو می‌برد.

ما مدعی هستیم که لازم است عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد، عدم تشابه آنها در پاره‌ای از حقوق است.

«مجموعه آثار استاد شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)
ص:۱۲۹-۱۲۷ - با تلخیص و ویرایش

در نوشتار حاضر اهمیت و جایگاه شادی در تعلیم دینی و عوامل شادی‌آفرین مورد بررسی قرار گرفته‌است.

اسلام، دین کامل و جامعی است، از همین رو به نیازها و دغدغه‌های انسان، از منظر بالایی نگرسته و برای رشد و تکامل او «بایدها» و «نبایدهایی» وضع کرده‌است. تردیدی در این نیست که این نیازها و قانون‌های جهت دهنده آن، متنوع و گوناگون است- به طوری که ریاضت و راجتی، دشواری و آسانی و حزن و شادی هم آغوش دهند. اگر به روزه و اساک فرمان داده شده، پس از یک ماه ریاضت روحی و جسمی، عید و شادمانی آن هم در نظر گرفته شده‌است. اگر سختی و تنگنایی وجود دارد، ریاضت و گمشایش هم قرار داده‌اند. اگر مجلس شاد و راجتی و حزن و اندوه ما، محزون » این نوع نیازها در رفتارهای علمی عمری مردان واقعی و روحانیان جامع‌نگر نیز به خوبی مورد است- آنان در حالی که مانوس یا ذکر خدا و غرق در دعا و مناجاتند یا در مصائب اهل بیت غمگین‌اند، ظاهری آراسته و زیبا دارند. لباسهای سپید و روشن و کفشهای زرد و سفید می‌پوشند. بوی خوش استعمال می‌کنند و به سلامت جسم و بهداشت اهمیت می‌دهند. از همه مهم‌تر، به عوامل معنوی شادی‌آفرین همچون زهد و بی‌توجهی به ظاهر دنیا، خدمت به خلق و پرهیز از گناه بسیار اهمیت می‌دهند. در روزگار ما، امام خمینی تجسم واقعی چنین شادبهای عقلانی بود.

انسان و غم» و «شادی»

«شادی» یکی از نیازهای اساسی انسان و لازمه زندگی اوست. اساسا خلقت هستی و انسان به گونه‌ای است که خود به خود، شادی‌هایی را برای آدمی فراهم می‌آورد؛بهار،طربانگیز، آبنشاهای زیبا، گلپهای رنگارنگ، صحنه طلوع خورشید، صبح دل‌انگیز، پرندگان زیبای غزلخوان، باران لطیف، رویش گیاهان، رنگهای متنوع طبیعی، ازدواج و زناشویی، محبت و مهربانی و بسیاری دیگر از پدیده‌های جهان، برای انسان شادی‌آور و سرورآفرین است.

همچنان‌که «غم و اندوه» نیز جزو زندگی انسان و همزاد اوست، در طبیعت و هستی، سنتهایی جاری است که هر یک می‌تواند اندوهساز و ماتم‌انگیز باشد؛ مشاهده فصل خزان و برگ‌ریزان، یخ بستن رودخانه‌ها، فشرده‌گی کوهها و تپه‌ها، غروب خورشید، پرمزده شدن گلپها، بیماری و مرگ، تنگدستی، ظلم و بیباد و حوادث دیگری از این قبیل، می‌تواند خیمه ماتم را در دل آدمی برپا کند.

آری، انسان با این دو واقعیت روبه‌رو است و سگه زندگی‌اش دو رو دارد، گاهی «غم» و زمانی «شادی». آنان که به دنبال شادی همیشگی و مطلق هستند، در واقع به دنبال عنقابی دست‌ نایافتنی‌اند. اساسا رشد و کمال آدمی با جست‌وجوی ششادی مطلق، مبسر نیست، غم هم برای ما ضروری است و فرآیند تکامل را تسریع می‌کند. سالکانی که در مسیر سلوک الهی گام نهاده‌اند، به نقش مهم «غم» در حیات معنوی انسان بهتر پی‌برده‌اند، چرا که در غم‌ها، بیماری‌ها، تبها و مشکلات است که به خدا نزدیک‌تر می‌شوند، تا جایی که گاهی دستشان به سقف ملکوت می‌رسد و رمز و رازها و زیر و بم‌های هستی را می‌آموزند و صدای پرندگان را بهتر و زیباتر می‌شنوند و حجم جاذبه‌های گل و قطر نارنج، برایشان چند برابر می‌گردد و شفاع فانوس، نه تنها کم‌سو به نظر نمی‌آید، که فرزون‌تر می‌شود:

دیدم گاهی در تب، ماه می‌آید پایین می‌رسد دست به سقف ملکوت دیدم شپره بهتر می‌چواند گاه، زخمی که با داشتام زهر و مهای زمین را به من آموخته است گاه در بستتر بیماری من، حجسم گل چند برابر شده است

فزون‌تر شده است، قطر نارنج، شفاع فانوس^(۱) و کسی نیست که این غمهای کمال‌آفرین را پروردگار هستی در زمان و موقعیت مناسب بر سر زندگی انسان سبزی می‌کند و آدمی را آنها براه روش می‌رساند.از همین روست که «حافظ» با درک ارغمان غم، عشاقانه سروده است که:
«زیر شمشیر غمش نقش گلن باید رفت.»

گاهی جرعه‌های غم که در کام سالک ریخته می‌شود، بمشابه داروی شفابخشی است که بیمارهای غرور، تکبر، سرمستی و غفلت را درمان می‌کند و چکشی است که قلب را صیقل می‌زند و چرغی‌اش است که شبستان دل را نورباران می‌کند. از رهگذر همین غمها است که عارف به سرور و نشاطی دست می‌یابد که با هیچ یک از شادی‌های دیگر قابل مقایسه نیست و حتی به مرحله‌ای می‌رسد که غم و شادی نزد او یکسان است.

غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد

ساقیا باده بده شادی او کین غم از اوست

ولی با وجود این، از میان غم و ششادی، همه در جست‌وجوی شادی‌اند و آن غم می‌گزینند، هیچ انسان متعادلی گرد غم به‌خانه نمی‌نرزد و تخم ناخوشی در سبزمین تندرسی نمی‌باشد و تیغ بیباد بر پیکر جامعه نمی‌کشد. درست است که غم ظرفیت خود را بیشتر از شادی در غم استقال می‌کند و با رفت‌و‌جودی خویش آن را به‌عامل کمال تبدیل می‌کنند،ولی هیچ‌گاه برای خود و دیگری آرزوی ماتم نمی‌کنند و در نیتسان آندوه، خیمه نمی‌زنند. تفاوت ره‌یافتگان وادی سلوک با

معارف MaarefKayhan@Kayhan.ir

گاهی جرعه‌های غم که در کام سالک ریخته می‌شود، به‌مثابه داروی شفابخشی است که بیماری‌های غرور، تکبر، سرمستی و غفلت را درمان می‌کند و چکشی است که قلب را صیقل می‌زند و چرغی‌اش است که شبستان دل را نورباران می‌کند. از رهگذر همین غمها است که عارف به سرور و نشاطی دست می‌یابد که با هیچ یک از شادی‌های دیگر قابل مقایسه نیست و حتی به مرحله‌ای می‌رسد که غم و شادی نزد او یکسان است.

است که خنده‌ای بر لبها بنشانند و دلپهای را شاد کنند و ابرهای آندوه را از کلبه‌های ماتم‌زده پرانند.

اسلام و شادی

در دستوره‌های آسمانی اسلام، نکته‌های ارزشمندی درخصوص ایجاد شادی و نشاط آمده است. این شادبها، گاهی برای خود آدمی است و زمانی برای دیگران. آن همه ثواب که برای تبتسم به روی دیگران ذکر شده و سفارشهایی که برای پوشیدن لباس‌های شاد و روشن، بوی خوش، نظافت و نظم و پاکیزگی، مسافرت و تفریح، حضور در طبیعت و نگرستن به سبزه و آب، مهربانی و محبت، زدودن کینه و حسد، شوخی و مزاح و خلاصه ادخال سرور در قلب مردم شده است، همه برای ایجاد فضای شادی و راندن غم و آندوه و در نتیجه تجدید قوا برای ادامه حرکت تکاملی است. سرگرمی‌های بازی‌های گوناگونی هم که انسان بدانها می‌پردازد به منزله وسایلی

بود و عواملی را مشخص کرد و دستورالعمل‌هایی را صادر نمود، چون ششادی باید خودبخود و در ضمن فعالیت روزمره زندگی و به طور طبیعی به دست آید. حال آنکه چنین نیست، چون اگر انسان برای هر کاری و ایجاد هر حالتی، آگاهی نسبی داشته باشد، مسلط‌تر و مؤثرتر می‌تواند کارها را انجام دهد. چطور ما برای آماده کردن یک ساختمان به همه عوامل می‌اندیشیم و راه‌های مختلف را در نظر می‌گیریم، اما به‌چگونگی کسب شادی فکر نکنیم. کسانی که به دنبال راه‌های کسب شادی‌اند،بیش از دیگران، فرصت دستیابی به آن را پیدا می‌کنند.

یاسخی هم که اکثر مردم می‌دهند این است که ثروت، شهرت و قدرت ششادی آور است. ثواب است. آنان بر این است که «پول و ثروت» بیش از عوامل دیگر، شادی‌آفر است.

اما به تجربه ثابت شده که ثروت به تنهایی شادی و خوشبختی نمی‌آورد. دکتر «یوید مایزر» در کتاب خود به نام «در جست‌وجوی ششادی، چه کسی شاد است و چرا؟» کلبه مقاله‌های تحقیقی‌ای را که در آمریکا، کانادا، کشورهای اروپای غربی و برخی دیگر از کشورهای درباره «شادی» به چاپ رسیده است به طور جامع بررسی می‌کند.

وی از این بررسی‌های خود نتیجه می‌گیرد که:
«رابطه‌ای بین ثروت و ششادی وجود ندارد و آرامش و شادی را نمی‌توان با پول خرید.»



ابوالمفضل طبرقی در راه

شادی

وی همچنین نتیجه می‌گیرد که سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی، محل زندگی، نژاد و سطح تحصیلات کمک مؤثری به شادی انسان نمی‌کند. او از افرادی که با آنان مصاحبه شده گفته‌های متعددی نقل می‌کند، نظیر «ترجیح می‌دهم تمام ثروت خانوادگی‌ام را با خانهای پر از محبت عوض کنم» یا «پول به هراندره که باشد، نمی‌تواند تأثر و غمی که از ناراحتی فرزندانم برام به وجود آمده برطرف کند.»^(۱)

ثروت و شادی

پژوهش در مورد اشخاصی که «یک شبه» ثروتمند شده‌اند، گویای آن است که پول نمی‌تواند موجب شادی شود.

«فیلیپ بریکمن» و همکارش از دانشگاه شمال غرب ایالات متحده، به بررسی تأثیر ثروت ناگهانی بر شادی پرداختند. آنها برندگان جایزه لاتاری ایالت «یولی» را که تقریباً همگی شان حداقل صد هزار دلار برده بودند برگزیدند. آنها برخی از تغییرات زندگی خود مانند امنیت مالی و اوقات بسیار زیاد را مورد اشاره قرار دادند، با وجود این، تنها ۲۲ درصد از آنان تصور می‌کردند که کل‌سبک زندگی‌شان تغییر کرده است.

سپس از برندگان «لاتاری» در مورد سطح شادی آنها در سه مرحله مختلف از زندگی سؤال شد. پیش از بردن، پس از بردن، دو سال پس از آن. آنان پس از بردن جایزه بزرگ، در مقایسه با قبل از آن، احساس ششادی بیشتر نکردند، تا دو سال بعد نیز انتظار شادی افزونتر نداشتند. علاوه‌بر این، پول بسیار زیاد نتوانسته بود آنها را شادتر کند.
سلسله‌ی شادی
برخی پس از پول، سلامتی را عامل مهم شادی می‌دانند، درست است که سلامتی جسم در شادی انسان مؤثر است، اما انسان استعدادها و توانایی‌هایی دارد که می‌تواند در حالت نقص عضو و معلولیت هم خود را شاد نگه دارد و شرایط سخت را برای خود آسان کند. اساسا انسان می‌تواند خود را با شرایط دشوار وفق دهد. یک برهاله‌مثل عربی می‌گوید: «اگر انسان را در دریا بیندازی، ماهی خواهد شد.»

به دست آوردن شادی در این گونه حالت‌ها بستگی به باطن و ضمیر انسان دارد. انسان اگر در باطن، شاد و سرخوش باشد، در ناگوارترین شرایط هم شادمانی خود را حفظ می‌کند، اما اگر در درون، غمگین و افسرده باشد، شادترین موقعیت‌ها هم تغییری در روحیه‌اش به وجود نمی‌آورد.

از: پاسدار اسلام شماره ۴۱۹-۴۲۰، ص: ۱۲۳.
۱. تبحر العقول، ص: ۱۰۲.
۲. سهراب سپهری، هشت کتاب، صدای پای آب.
۳. بحارالانوار، ج: ۷۵، ص: ۳۲۱، روایت سوم.
۴. هورن، ج: ۷۵، ص: ۳۲۱، روایت سوم.
۵. دکتر پلاچیک، هیچ‌گاه، هیچ‌گاه، نظریه‌ها و یک مدل جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، ص: ۱۸۷.
۶. رک: جابر مارشل ریو، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، ص: ۳۴۷.

۷.ا. ی. رک: دکتر مایکل ایزنک، روانشناسی شادی، ترجمه خشایار یپکی و مهرداد فیروزبخت، ص: ۴۲ و ۱۲۲.
۸. دکتر مایکل ایزنک، همان، ص: ۱۲.
۹. دکتر اریچور باقر، روان درمانی برای همه، ص: ۵۳۴.
۱۰. دکتر مهدی بهاری، نژاد، شادی و زندگی، ص: ۲۶.

صفحه ۷
یکشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۲
۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۴۱۲

چراغ راه راه برون‌رفت از فتنه‌ها شناخت ملاک‌های حق از قرآن است

قال الامام الصادق(ع): «هن لم يعرف الحق من القرآن لم يتکتب الفتن».

امام صادق(ع) فرمود: هرکس حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از فتنه‌ها برکنار نمی‌ماند.^(۱)

۱- محاسن، ج ۱، ص ۳۴۱

حکایت خوبان

کسانی که بوی بهشت را استشمام نمی‌کنند!

امام صادق(ع) پسرعمویی داشت به نام «حسن افضس» که به ایشان توهین می‌کرد و حتی یکبار با خنجری بزرگ به امام صادق(ع) حمله کرده بود. هنگامی که امام صادق(ع) در بستر شهادت قرار گرفت وصیت نمود هفتاد دینار به حسن افضس بدهند. یکی از اطرافیان به اسام اعتراض کرد: چگونه چنین وصیتی می‌کنید در حالی که او به شما حمله کرد و قصد غطر مطبوع بهشت به مشام همه می‌رسد، اما دو نفر در روز قیامت عطر مطبوع بهشت به مشام همه می‌رسد، اما دو نفر نمی‌توانند بوی بهشت را استشمام کنند: کسی که عاق والدین شده و کسی که با خویشاوندانش قطع رابطه کرده است، آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال (در آیه ۲۱ سوره رعد) می‌فرماید: «صاحبان اندیشه کسانی هستند که پیوندهایی را که خداوند به برقراری آن امر کرده، برقرار می‌کنند و از پروردگارش و از سختی حساب بیب دارند.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۷۶

پرسش و پاسخ

شبهه رسالت محدود یا جهانی؟

پرسش:
خداوند در قرآن کریم از یک سو رسالت انذار پیامبر اکرم(ص) را محدود به همان مکه و اطراف آن دانسته،اما از طرف دیگر،اسلام و آموزه‌های وحیانی آن را جهانی معرفی می‌کند، آیا این دو موضوع قرآن تناقض آمیز نیست؟

آیات موهّم تناقض
خدای متعال در قرآن کریم از یک سو خطاب به پیامبراکرم(ص) می‌فرماید: «برای اینکه (مردم) املقری (مکه) و کسانی را که پیرامون آنند، شدار دهی» (انعام-۹۲) و از طرف دیگر مخاطب قرآن را جهانیان و رسالت پیامبراکرم(ص) را جهان شمول معرفی می‌کند و می‌فرماید: «این قرآن) به جز بندی برای عالمیان نیست»(تکویر-۲۷)
یا در آیه دیگری می‌فرماید: «بزرگ (و خجسته) است کسی که بر بنده خود فرقان (کتاب) جدا سازنده حق از باطل) را نازل فرموده، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد»(فرقان-۱)

پاسخ‌شبهه

۱- شیوه و مراحل تبلیغ باید تدریجی و گام به گام باشد. «ای پیامبر) مأموریت و تبلیغ علنی‌تا از رویوشان نزدیک خود شروع کن» (الشعراء- ۲۱۴) در مرحله بعد مردم مکه(املقری) و منطقه، سپس همه مردم جهان «کافه للناس» و «حمة للعالمین» بنابراین از جهت شیوه و مراحل تبلیغ،بین این دو دسته آیات هیچ گونه تعارض و تناقضی نیست، فقط اشاره به مراحل مختلف تبلیغ شریعت اسلام دارد.

۲- قریه در زبان قرآن به معنی هر گونه آبادی است،اعم از اینکه کوچک یا روستا باشد، و یا بزرگ و شهر. چنانکه آیه شریفه: «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گرویده بودند،قطعا بر کانی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.»(اعراف-۹۶) دلالت برآن دارد که «قریه» شامل همه نقاط مسکونی جهان می‌باشد. بنابراین هیچ تناقض و مغایتی بین این دو دسته از آیات نیست.

۳- در تفسیر الدرالمستور، ذیل آیه ۹۲ سوره انعام از قول ابن عباس نقل شده است که منظور از «ام القری» مکه، پیرامون مکه و تمام آبادی‌هایی است که در مشرق و مغرب (یعنی در سر تا سر جهان خاکی قرار گرفته‌اند.

۴- تأکید بر «املقری» نشان از آن دارد که خدای متعال عنایت خاصی به مکه دارد، زیرا مکه معظمه، حرم امن خداوند است که دعوت اسلامی از آنجا شروع شده، و به سایر نواحی عالم منتشر گردیده است. (المیزان، ج ۷، ص ۲۸۸)

۵- کلمه «م» به معنی اصل، اساس، ابتدا و آغاز هر چیزی است، و اگر به مکه، «املقری» می‌گویند، به خاطر این است که اصل و آغاز پیدایش تمام خشکی‌های روی زمین است.

بنابراین، «و من حولها» کسانی که پیرامون آن هستند، تمام مردم زمین را شامل می‌شود، و آیاتی نظیر «لا تدرکم به و من بلع» این قرآن به من وحی شده است تا با آن به شما هشدار دهم، و به هر کسی که قرآن کشایش، فقط مایه به خود آمدن جهانیان است.»(انعام-۹۰) همچنین در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: «ای پیامبر) بگو‌ای مردم‌من پیامبر حسی برای همه شما انسان‌ها هستم.»(اعراف-۱۵۸) و امثال آن، هیچ‌کس دعوت‌نامه‌های فراوانی که پیامبراکرم(ص) برای زمامداران بزرگ دنیا، مانند کسری، و قیصر، پادشاهان روم و ایران، و مصر نوشت، گو‌اه دیگری بر این موضوع است.

بنابراین بااستناد به این ادله می‌توان گفت که میان آیات مطرح شده در شبهه، هیچ گونه اختلاف و تناقضی وجود ندارد.

سلوک عارفانه

رشد عقلی و اجتماعی مردم در پرتو قرآن

قرآن می‌خواهد مسلمانان رشد عقلی و اجتماعی داشته باشند و به موجب آن رشد عقلی، مرد حق را از غیر مرد حق تمییز دهند. قرآن نیامده است که برای همیشه با مردم مانند ولی صغیر با صغیر عمل کند، جزبیت زندگی آنها را با قیمومیت شخصی انجام دهد، و هر مورد خاص را با علامت و نشانه حسی تعیین نماید.اساسا شناخت اشخاص و میزان صلاحیت آنها و حدود شایستگی و وابستگی آنها به اسلام و حقایق اسلامی، خود یک وظیفه است و غالباً ما این وظیفه خنطیر فاطمیه^(۱)

۱- جاذبه و دافعه علی(ع)، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۵۴

صفحه معارف روز های: شنبه ،یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱-۳۵۲۰۲۲۲۱- MaarefKayhan@Kayhan.ir